

تحلیل سیروس ناصری، عضو تیم اسبق مذاکره کننده از رفتار آمریکا

موضوعات آژانس باید حل شود تا توافق پایدار بماند

متن ما همینگی که هست و همه باید این را بپذیرند، اروپایی‌ها هم بولر را تایید می‌کردند و آمریکایی‌ها هم پیشاپیش گفته بودند که ما متن پیشنهادی بولر را قبول داریم.» او ادامه می‌دهد: «الان ایران متن پیشنهادی بولر را تغییرات داده، او یاد گرفته چطور رفتار کند. احتمالا او در اتحادیه اروپا برخورد کرده‌اند، چون باید جایگاه خود را بداند. صرفا هماهنگ کننده است و مگر می‌تواند راجع به محتوا نظر بدهد؟ معلوم است که نمی‌تواند. می‌خواهم بگویم حرف‌های آدم‌ها را خیلی جدی نگیرید، فکر نکنید اینها آدم‌های خیلی مهمی هستند و جایگاه‌شان طوری است که اگر چیزی بگویند حتما درست می‌گویند، این گونه نیست. مثلا آقای جکسون که آنقدر در ایران درباره‌اش صحبت می‌کردند، آدم پنج‌هزار پوندی در ماه بود (من حقوق دولتی‌اش را نمی‌گویم). او وقتی بیرون آمد، یک گروه خبری از چین به او پیشنهاد دادند که ماهی پنج‌هزار پوند به او می‌دهند و او گفت من هنوز در سفارتخانه ایران روابط دارم و حرف مرا قبول دارند و همه‌جوره کمک‌تان می‌کنم. من این آدم‌ها را می‌شناسم و می‌دانم آقای بلر یا چه عددی پای میز می‌نشیند. می‌خواهم بگویم مثلا بعضی می‌گویند گروسی این حرف را زد، طوری می‌گویند این حرف را زده که انگار به گروسی وحی شده. گروسی مگر کیست؟ او ۱۰۰ نفر را دیده‌و به ۱۰۰ نفر التماس کرده تا رئیس این سازمان شده است. به هزار طریق هم باید حامی همه کسانی که او را حمایت کردند باشد، تا در آژانس بماند. اما این را بگویم که اتفاقا گروسی باید بیشتر حامی ایران باشد، چون اگر ایران بازسان آژانس را بیرون کند، سازمان انرژی اتمی اعتبارش را از دست می‌دهد، این سازمان همه اعتبارش به ایران است. پس موظف است با ما مسائلش را حل کند و ما حتما به چیزی که او مطرح می‌کند، جواب نمی‌دهیم مگر در یک چهارچوب. اینهایی که دارم می‌گویم عین بحث‌هایی است که در ۱۲ مورد ادعایی آنها مطرح شد. مرحوم آمانو که فردی بسیار محافظه‌کار، محتاط و فقط مراقب موقعیت خودش بود، فهمید که باید به حل مساله ایران تن بدهد. رئیس پادمان آژانس فهمید که باید به آنچه ما می‌گوییم تن بدهد، چون اگر ایران بگوید بازرسی را نمی‌پذیرد، تمام مسئولیت عدم توافق گردن او می‌افتد و آژانس مهم‌ترین مساله خود را از دست می‌دهد. چند نفر در دنیا پرايشان مهم است که ببینند آژانس در برزیل چه می‌کند؟ برزیل هم برنامه هسته‌ای بسیار سنگینی دارد. اگر ایران نبود، اصلا کسی اسم گروسی را می‌شنید؟» او ادامه می‌دهد: «همه مسائل ایران در آژانس قابل حل است و حل هم خواهد شد. من یقین دارم تیم ایران آگاهی دارد و کاربلد است. ایران سابقه و تجربه کار با آژانس را دارد و می‌داند چطور با آژانس کار کند تا در تله‌اش نیفتد. باید به تیم مذاکره کننده ایران فرصت بدهیم.»

نباید به قول‌های شفاهی تکیه کنیم

سیروس ناصری، دیپلمات اسبق ایران درباره ابهامات آمریکادر پاسخ‌های خود توضیح می‌دهد: «حداست می‌زنم آمریکایی‌ها حاضر نیستند درباره شورای حکام سفت تعهد بدهند و می‌گویند ما به شما وعده می‌دهیم ولی نمی‌توانیم بنویسیم. ۹۰ درصد مسائل اینهاست و اگر این‌طور باشد و اگر من هم مذاکره می‌کردم، می‌گفتم اول باید این مسائل ایران در آژانس را حل کنیم بعد تفاهم شود و اگر اتحادیه اروپا از این موضع دلخور می‌شود، بی‌جا می‌م. اتحادیه اروپا اصلا باید بی‌طرف باشد. او همچنین می‌گوید: حدس قوی من این است که است آمریکا می‌تواند تعهد بدهد و می‌تواند بدون ابهام بگوید هر زمان که بخش پادمان آژانس در گزارش خود اعلام کند که موضوعات مطرحه حل شده است، ما بانی قطعنامه‌ای در شورای حکام خواهیم شد که تصویب کنیم این مساله در سطح شورای حکام حل شده است. قطعا آمریکا می‌تواند این تعهد را بدهد. تعهد شفاهی نه، بلکه تعهد کتبی، چون الان خردمان داریم می‌گوییم بعد از انتخابات مشخص نیست بایدند چقدر پای حرف هایش بایستد. چرا باید یک تعهد شفاهی را بپذیریم؟ چرا باید حرف مهم‌ر را بپذیریم در مواردی که می‌توانند آن را از ابهام خارج کنند؟ اینطور نیست که هرچه آنها می‌گویند درست است.»



آمریکا پاسخ ایران را منفی خواند، چون ایران خواستار رفع ابهام شده

در کلاب‌هاوس بحث بر سر پاسخ ایران به پیشنهادهای اتحادیه که عملکرد وزارت خارجه ایران در این پاسخ چگونه بود؟ ناصری معتقد است «عملکرد منفی‌ای در وزارت خارجه ایران ندیدم. پاسخ آمریکا که آمد، وزارت خارجه ایران آن را دریافت کرد و گفت پاسخ می‌دهد. وقتی این پاسخ آمریکا را ارسال کرد، سخنگوی وزارت خارجه، کنعانی گفت پاسخ‌های ما در جهت حل مساله است. البته من می‌دانم آمریکا به چه علت پاسخ ایران را منفی ارزایی کرده، چون ایران خواسته ابهامات برطرف شود و آمریکا صحبت‌های خود را مشخص‌تر بگوید و البته مشخص است که چرا یک سری موارد را مشخص نمی‌گویند. با این حال ما باید سخت روی رفع ابهام در این مسائل بایستیم.»

اتحادیه اروپا حق ندارد از ایران دلخور شود

در ادامه این گفت‌وگو در کلاب‌هاوس، مجری از دلخوری اتحادیه اروپا از ایران می‌گوید؛ چرا که ایران متن پیشنهادی اتحادیه اروپا را تغییر داده است. ناصری در پاسخ تاکید می‌کند اتحادیه اروپا و شخص جوزپ بولر حق ندارند ناراحت شوند؛ چرا که بولر صرفا در نقشی که دارد، اصلا نمی‌تواند بگوید من ناراحت هستم و حق ندارد این صحبت‌ها را کند. او در این باره ادامه می‌دهد: «بولر داور نیست، حتی نظرش هم وزنی ندارد، و فقط هماهنگ کننده است. حالا یک قدم جلوتر رفته- عیبی هم ندارد- دارد سعی می‌کند کار به یک جایی برسد و شاید بخشی از نگرانی اروپا همین نیاز نقشی باشد. بولر صرفا در نقش مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اصلا نمی‌تواند بگوید من ناراحت هستم و حق ندارد این صحبت‌ها را کند، می‌تواند صرفا کمک کند که نظرات را به هم نزدیک کند.» همچنین ناصری افزود: «اگر من طرف مذاکره بولر باشم و یک کلمه بنشنوم که او نظری درباره طرفین اصلی مذاکره داده، می‌گویم مذاکره متوقف شود تا حرفش را پس بگیرد. بولر حق ندارد در عموم صحبتی کند که نشان بدهد گرایش به یک نظر یا نظر دیگر دارد. او می‌تواند صرفا بگوید کارها دار پیشرفت می‌کند یا خیر و اگر می‌بیند نظرات فاصله دارد، می‌تواند فکر کند که چطور نظرات را به یکدیگر نزدیک کند، نه اینکه طوری صحبت کند که انگار توپ در زمین ایران است.» ناصری اشاره‌ای به مواضع قبلی بولر و طرفداری‌اش از آمریکا نیز می‌کند: «اگر خاطراتان باشد بولر، قبلا صحبت می‌کرد، می‌گفت

بماند، بزرگ‌ترین آفت برای از بین بردن پایداری توافق احتمالی خواهد بود. و ما هرچقدر روی برطرف شدن ابهامات پافشاری کنیم، کار درستی کردیم.»

باید برای سوالات آژانس چهارچوب تعیین کنیم

سیروس ناصری در ادامه صحبت‌های خود به علت اینکه چرا تا به الان مسائل ایران در آژانس حل نشده، اشاره‌ای می‌کند و معتقد است: «من فکر می‌کنم هنوز بخش پادمان آژانس یک چهارچوب روشن با ایران ندارد. یعنی آژانس برای این چهارچوب اقدامی نمی‌کند. شما هم خبری ندیدید از اینکه آژانس دارد با ایران صحبتی می‌کند.» او به تجربیات خود نیز اشاره کرده و معتقد است ایران نباید به هر سوال آژانس پاسخ دهد. ناصری در این باره بیشتر توضیح می‌دهد: «بسا تجربه‌ای که بنده دارم، ما بدون چهارچوب نباید وارد چرخه پاسخ‌دهی به آژانس شویم. فقط و فقط باید در شرایطی وارد پاسخ به سوالات شویم که ضوابط مشخصی برای سوالات آژانس وجود داشته باشد؛ مثلا اینکه چگونه سوال کنند، چگونه جمع‌بندی کنند و اینکه قرائن و مدارک چگونه داده شود، مشخص شده باشد. چرا؟ برای اینکه اینها مانند بازپرسی عمل می‌کنند که نباید اتهام را اثبات کنند، بلکه ما باید آنها را قانع کنیم که اتهامی مرتکب نشده‌ایم. مانند دستگاه قضایی نیست که یک آیین دادرسی برای بررسی وجود داشته باشد و شما از مدارک اطلاع داشته باشید، بلکه آژانس به شما نمی‌گوید چه در دست دارد. شما اگر یک اتهام داشته باشید، طرف مقابل در هر جای دنیا، چه دادستان باشد چه شاکی خصوصی، می‌توانید بخواهید تمام مطالبی که در مورد اتهام دارند را روی میز بگذارند. برای اینکه اوست که دارد اتهام مطرح می‌کند و باید اثبات بکند. اما آژانس این کار را نمی‌کند و نمی‌گوید چه مدارکی دارد، اصلا ممکن است مدرکی برای اتهام نداشته باشد و از پاسخ شما، دو مطلب دیگر از سیستم‌های مختلف پیدا کند و بعنوان اتهام مطرح کند.» او در این قسمت از صحبت‌هایش نیز نتیجه می‌گیرد: «لذا باید چهارچوبی برای سوالات آژانس تعیین شود و این شدنی است اما آژانس باید پای کار بیاید. من حرقم این است که آژانس هنوز پای کار نیامده و باید وادار شود که پای کار بیاید و اگر هنوز وادار نشده، به‌خاطر این است که هنوز سیگنال مناسب سیاسی را از این جمع گروه غربی نگرفته است. و اگر ما پافشاری کنیم، خواهد گرفت. حتی اگر زمان بیشتری هم لازم باشد، که متأسفانه این زمان لازم است و کاری نمی‌شود کرد.»

آمریکا باید پاسخگوی ابهامات باشد

ناصری در ادامه سخنان خود با بازخوانی رفتارهای سیاسی آژانس، به‌علت درخواست ایران از آژانس برای برطرف کردن ابهامات می‌پردازد: «۲۰ سال گذشته، همان زمان که موضوع هسته‌ای ایران ناگهان به‌صورت عمده مطرح شد، شاید شما اطلاع نداشته باشید که کره جنوبی در حد آزمایشگاهی، روی ۹۸ درصد [از ذخایر اورانیوم] غنی‌سازی انجام داده بود، یعنی به وضوح روی تسلیحات هسته‌ای (بمب) کار می‌کرد. شما جایی خبری از کره جنوبی شنیدید؟ اما یک‌دفعه گفتند مساله کره جنوبی حل شد. پس اینکه می‌گویند رفتار آژانس سیاسی نیست، این گونه نیست. آن زمان البرادعی مدیرکل آژانس بود، ما هم روابطمان با او به‌گونه‌ای بود که تمام اخبار و اطلاعات، به‌خصوص اخبار بخش پادمان را از ایشان با جزئیات می‌گرفتیم. خود اینها می‌گفتند که باید مساله کره جنوبی را حل کنیم و نمی‌دانیم چطور باید حل کنیم. اما نه‌اینجا مساله کره جنوبی را حل کردند. الان فرض کنید ایران بیاید بگوید آزمایش غنی‌سازی روی ۹۸ از ذخایر اورانیوم انجام داده، فکر می‌کنید همین طوری بی‌سروصدا مساله ایران حل می‌شود؟ مگر اینکه به‌صورت سیاسی بخواهند آن را حل کنند.» ناصری نتیجه می‌گیرد: «بنابراین برای آژانس باید [از سوی آمریکا] یک تصمیم سیاسی گرفته شود؛ چون رافائل گروسی مدیر فعلی آژانس و ماسیمو آپارو معاون مدیرکل آژانس در سطحی نیستند که اجازه داشته باشند، موضوعات ایران را به‌صورت فنی حل و فصل کنند. هرکس فکر می‌کند تصمیمات آژانس سیاسی نیست، قطعا اشتباه می‌کند و این دستگاه‌ها را نمی‌شناسد. آژانس فنی کار می‌کند اما وقتی موضوعات ایران در سطح بین‌المللی مطرح می‌شود و همه آگاه می‌شوند، آژانس جرأت جمع کردنش را ندارد. این را بعدها اگر بتوانم با جزئیات و دقت به شما می‌گویم که افرادی در بخش پادمان آژانس هستند، چه راه‌های فرعی برای حل مسائل در آژانس مطرح کردند. مثلا می‌گفتند ورفه‌ای مانند side letter (نامه جانبی) می‌دهیم که مساله شما حل شده اما نخواهید این را علنی کنیم چون از لحاظ سیاسی باید به ما اجازه داده شود. یعنی آمانو باید پیغامی از آمریکا می‌گرفت که اجازه دادند مساله را در آژانس جمع کنند. بنابراین به این برمی‌گردم ابهامی که در حل مسائل پادمانی ما با آژانس است، بخشی به این برمی‌گردد که اینها قاطع نمی‌گویند که ما در شورای حکام از شما حمایت می‌کنیم. این ابهام باید رفع شود، به دلیل اینکه حتما موضوعات آژانس باید حل شود و این استخوان لای‌لای زخم

فرهیختگان دو روز پیش ایران در شرایطی پاسخ آمریکا را ارسال کرد که پیشنهادهای آمریکا دارای ابهامات بسیار و ایران خواستار رفع این ابهامات شده بود. در همین بین، سیروس ناصری، از دیپلمات‌های اصلاح‌طلب و عضو اسبق تیم مذاکره کننده هسته‌ای ایران در دهه ۷۰ که در کارنامه خود نمایندگی ایران در مقر سازمان ملل در ژنورا هم دارد، در نشست مجازی در کلاب‌هاوس درباره آخرین مطالبات ایران در پاسخ خود به آمریکا، نکاتی را مطرح کرده که از جهات بسیاری جالب توجه است. این نشست مجازی با حضور افرادی چون علی واعظ، عضو گروه بین‌المللی بحران و از دلایان مذاکره و علیرضا نامور حقیقی در اتاق «ایران من» کلاب‌هاوس برگزار شد که هرکدام از این افراد واکنش‌هایی به صحبت‌های ناصری داشتند. صحبت‌های وی از جهتی اهمیت پیدا می‌کند که دیگر اصلاح‌طلبان در مواردی که ناصری بیان می‌کند، عمدتا موضعی خلاف او گرفتند. در ادامه مهم‌ترین بخش صحبت‌های وی را که در این اتاق کلاب‌هاوس عنوان کرده می‌خوانید.

پاسخ آمریکا مبهم بود

محمد مردنی، مشاور تیم مذاکره کننده ایران یک روز بعد از پاسخ دوم ایران به طرح پیشنهادی اروپا، در گفت‌وگوی اختصاصی با شبکه تلویزیونی الجزیره تاکید کرده بود آمریکا خواهان وجود متن مبهمی درباره توافق است، اما ایران بر ضرورت وجود متنی شفاف با عبارت‌ها و اصطلاحات روشن تاکید می‌کند. سیروس ناصری در ابتدای سخنانش روی صحبت‌های مردنی تاکید می‌کند و می‌گوید پاسخ آمریکا به ایران، حتما مبهم بوده است. ناصری در ادامه به برخی از اختیارات رئیس‌جمهور آمریکا اشاره کرده و معتقد است اگر دولت آمریکا بخواهد می‌تواند ابهامات پاسخ خود را برطرف کند. او در این باره مثالی می‌زند: «بعضی از همین بندهای برجام را بخواهید، توصیه و تشویق در حیطه اختیارات رئیس‌جمهور آمریکا است که مثلا توصیه بکند فرمانداران و قاضی سیستم‌هایی که در دولت حاکم هستند نه کنگره، اقدامی نکنند که مغایر با برجام [توافق] باشد. بنابراین وقتی آقای مردنی می‌گوید پاسخ آمریکا مبهم بوده، برای منی که تجربه مذاکره دارم، کاملا قبل فهم است که حتما در پاسخ آمریکا ابهام وجود داشته است.»

می‌شود میچ آژانس را گرفت!

در ادامه این مبحث ناصری در پاسخ به سوالی پیرامون رفتار آژانس و بازرسی آن از ایران، توضیح می‌دهد: «من هیچ وقت نگفتم [حل و فصل مساله ما با آژانس] ساده است، گفتم شدنی است. با مدیریت درست و با استفاده از تجربیات گذشته، شدنی است. باور کنید اجماع روی موضوع ۱۲ اتهام با ابعاد احتمالی نظامی این بود که قابل حل نیست و آن زمان هم این بحث‌ها بود که این مساله فقط از طریق سیاسی حل می‌شود و همین نگرانی‌ها بود که پاسخ آمریکایی‌ها این است که نمی‌شود این مساله را به‌صورت سیاسی حل کنیم و باید اینها در آژانس حل شود، اما حل شد.»

او در همین راستا برای اینکه چگونه مساله ایران با آژانس حل و فصل شود، به تحلیلی از ترکیب افراد مسئول در آژانس می‌پردازد: «مجموعه افرادی که در آژانس فعالیت می‌کنند، آدم‌های بسیار برجسته، مستقل، کاروار و پدیده‌های خارق‌العاده‌ای نیستند، یک عده آدم هستند که بسیار اشتباه می‌کنند و خطا هم در صحبت‌هایشان زیاد است، همان‌طور که آنها می‌خواهند میز این را بگیرند، می‌شود میچ آنها را گرفت. بعد هم این صحبت‌هایی که می‌گویند ایران باید به سوالات آژانس پاسخ بدهد، این‌طور نیست که در ادامه توضیح می‌دهم.»

گزارش

کدام را باور کنیم؛ مجبور بودید بنزین را گران کنید یا از قبل برنامه داشتید؟

اصلاح‌طلبان که آشوب‌های بنزینی سال ۹۸ را همچون داغی بر پیشانی دولت متبوع خود می‌بینند همواره سعی دارند با روایت‌سازی از زیربار پذیرش مسئولیت اتفاقات رخ داده شانه‌خالی‌کنند و آبرویی به جوی بازگردانند. این روایت‌سازی‌اما آنقدر شدت پیدا کرده که در موارد متعددی روایت‌های پیشین را نقض می‌کند. در جدیدترین نمونه از این روایت‌سازی روز گذشته روزنامه «اعتماد» طی گزارشی میسر نشدن دیدار بین روحانی و ترامپ در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل را ناشی از مخالفت‌های داخلی دانست و کسری بودجه به‌وجودآمده را نیز از پیامدهای عدم دیدار روحانی با ترامپ برای رفع تحریم‌ها توصیف کرد. این روزنامه در ادامه تصمیم گرانی بنزین برای تامین بودجه را ضروری و از سر ناچاری عنوان می‌کند. آنچه اعتماد از آن به‌عنوان ناچاری یاد می‌کند کاملا برخلاف حرفی است که محمد قوچانی به نقل از روحانی روایت می‌کند. قوچانی در قسمت پایانی شماره ۴ نشریه آگاهی نو که به روایت خاطرات شفاهی حسن روحانی پرداخته و دلیل اجرای سیاست افزایش قیمت حامل‌های انرژی را نه جبران کسری بودجه بلکه تامین هزینه‌های طرح نظام سلامت عنوان کرده و این اقدام را از پیش برنامه‌ریزی‌شده و مصداق «عدل به السویه» توصیف می‌کند. قوچانی در این باره به نقل از روحانی می‌نویسد: «روحانی قصد داشت با گران کردن تدریجی قیمت بنزین به‌جای طرح درآمد حاصله از این کار با تزریق درآمد آن به‌صورت یارانه نقدی و پخش پول در جامعه این درآمد را منبع

فرهیختگان کمتر از ۶ ماه پیش بود که در یادداشت‌ها و گزارش‌های مفصلی به پدیده‌ای تحت‌عنوان «اتاق احیای روحانی» پرداختیم. مساله‌ای که در ماه‌های ابتدایی شکل‌گیری دولت سیزدهم به ریاست سیدابراهیم رئیسی، با توجه به خاطرات تلخی که مردم از هشت‌سال مدیریت دولت حسن روحانی بر کشور به‌خاطر داشتند، صرفا مانند یک شوخی بود. رفته‌رفته اما این شوخی رنگ‌وبوی جدیت به خود گرفت. چهره‌ها و رسانه‌های اصلاح‌طلب در یک‌ساله که از پایان دولت روحانی می‌گذرد بارها به بهانه‌های مختلف سعی در مطرح کردن نام روحانی داشته و با سرمایه‌گذاری روی ضعف حافظه تاریخی مردم روایاتی را منتشر می‌کنند که بتواند جلوه ناکارآمدی دولت روحانی را کم‌رنگ‌تر کرده و به‌مرور به ایجاد تصویری کارزینتیک و کارا از روحانی در اذهان عمومی منجر شود. پیش از این در «فرهیختگان» ایسن رویکرد اصلاح‌طلبان را مورد بررسی و انتقاد قرار داده بودیم و چندین مطلب تحت‌عنوانی نظیر «بازسازی روحانی، پروژه ناممکن»، «مجمع جامیان روحانی عجول نباشند»، «اتلاف هشتادوهمستی‌ها جواب نمی‌دهد»، «اتاق جنگ علیه دولت» با همین هدف در روزنامه منتشر شد. در چند روز اخیر رسانه‌های اصلاح‌طلب در تلاشی هماهنگ اقدام به انتشار روایات متعدد از روحانی کرده‌اند؛ روایاتی که تکراری بودن آنها باعث می‌شود هیچ توجیه دیگری جز مطرح نگه‌داشتن نام روحانی برای انتشار آنها باقی نماند. در ادامه به بررسی نمونه‌ای از روایات متناقضی که اخیرا رسانه‌های اصلاح‌طلب با هدف تلطیف چهره ناکارآمد دولت روحانی منتشر کرده‌اند، خواهیم پرداخت.

مردم بیشتر از ایده از اجرای صبح جمعه‌ای عصبی شدند
اگرچه در شرایطی که کشور با تورم ۶۰ درصدی دست‌وپنجه نرم می‌کرد ایده گرانی بنزین با احتمال رخ داد بحران‌های امنیتی را افزایش می‌داد اما منسبت دادن آشوب‌های رخ داده به ایده و نادیده گرفتن ایرادات اجرایی قطعا تقلیل مساله بوده و صرفا با افزودن بر تعداد مقصران مسئولیت دولت روحانی را کم‌رنگ‌تر می‌کند. خیلی متناقض به‌نظر می‌رسد اگر همچون رسانه‌های اصلاح‌طلب استفاده از عباراتی نظیر «من هم صبح جمعه فهمیدم» توسط روحانی را کاملا نادیده بگیریم و بگوییم صرفا ایده گرانی بنزین عامل ایجاد آشوب بود. تجربه دولت سیزدهم در حذف ارز ترجیحی که به‌لحاظ تاثیر اقتصادی چه‌بسا اقدامی بزرگ‌تر از گرانی بنزین در سال ۹۸ بود، نشان می‌دهد یک تصمیم اقتصادی حتی اگر در کوتاه‌مدت آثار سوئی بر میزان تورم بگذارد، اگر به‌درستی اجرا شود و پیوست‌های اقتاعی برای آن در نظر گرفته شود به بحران امنیتی مشابه آنچه در آبان ۹۸ رخ داد نخواهد انجامید. ناگفته نماند که «فرهیختگان» پیش از این بارها در چندین گزارش هم ایده گران کردن بنزین و هم ایده حذف ترجیحی را به‌نقد گذاشته و هر دو را واجد اثرات منفی بر معیشت مردم توصیف کرده اما واضح است که این دو ایده‌در در اجرایی توان یکسان دانست. دولت سیزدهم با اجرای اقداماتی نظیر پرداخت یارانه نقدی و گفت‌وگوی رودرو با مردم توانست اثرات امنیتی سیاست حذف ارز ترجیحی را مهار کند. این تجربه اثبات می‌کند اگر روحانی نیز زحمت اقدامات اقتاعی را به دولت خود تحمیل می‌کرد و رویکرد خنده‌درمانی و صبح‌جمعه‌ای را کنار می‌گذاشت احتمالا موفق به مهار بحران امنیتی ناشی از ایده غلط گران کردن بنزین می‌شد.

کسری بودجه یا اوباما کر؟ مساله این است

نظام سلامت کشور قرار دهد.» قوچانی درمورد اینکه این ایده چه زمانی در ذهن روحانی شکل گرفت با استناد به این امر که روحانی در دوران دانشجویی خود در انگلیس با نظام سلامت این کشور آشنا شده است می‌نویسد: «پیش از آنکه اقداماتی مانند «اوباما کر» (بیمه همگانی در دولت باراک اوباما) منشأ الهام حسن روحانی از طرح تحول سلامت باشد، تجربه‌های تحصیلی حسن روحانی در انگلیس بر این برنامه موثر بود. این اما تنها تناقض بین روایات این دو نشریه اصلاح‌طلب نیست. درحالی که روزنامه اعتماد دیدار نکردن روحانی و ترامپ را ناشی از فشارهای داخلی می‌داند، محمد قوچانی عدم تحقق این امر را به تصمیم شخصی خود روحانی نسبت داده و خاطرات شفاهی روحانی را این گونه روایت می‌کند: «علت لغوملاقات این بود که روحانی اعلام لغو تحریم‌های بانکی و نفتی را پیش‌شرط جلسه قرار داده و ترامپ آن را نتیجه جلسه خوانده بود. روحانی اما به ترامپ اطمینان نداشت. می‌گوید اگر اوباما به او چنین پیشنهادی می‌کرد می‌پذیرفت اما از ترامپ این حرف را قبول نداشت.» فارغ از اینکه چقدر ادعاهای هر یک از این رسانه‌ها می‌تواند درست یا غلط باشد، آنچه مشهود است اختلاف ۱۸۰ درجه‌ای روایات است و شاید تنها چیزی که می‌تواند این تناقض را توجیه کند نیاز لحظه‌ای به روایت برای برنده شدن دعوای سیاسی باشد. نیازی که باعث می‌شود رسانه‌های که حافظه یک‌بار برای آبان ۹۸ و یک‌بار هم برای ترویسین به توافق با غربی‌ها دنبال مقصر بگردند تا هم از خود سلب مسئولیت کنند و هم خود را یک‌سوار عرصه دیپلماسی جلوه دهند، بلکه نتوانند کمی جلوه ناکارآمد دولت روحانی را در افکار عمومی بزک کنند.